

بامداد زندگی شما

سخنرانی ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی
در کنفرانس جوانان هاوایی [1]

این عنوان برگرفته از نامه ای است که لویی چهاردهم برای دختر جوانش نوشت. دختر تصمیم گرفته بود که راهبه بشود و از پدرش تقاضای اجازه و برکت نمود. پدر برای او نوشت: «بسیار مسرورم که تو زندگی ات را وقف خدمت به مسیح می کنی. از آن خوشحال ترم که در بامداد زندگی ات به این کار مبادرت می کنی. من در شامگاه زندگی خود هستم و هیچ کاری از عهده ام بر نمی آید.»

داستانی را از قرآن کریم نقل کنیم: حضرت محمد می فرماید که وقتی خداوند عالم وجود را خلق فرمود، آن را کامل یافت و تصمیم گرفت نماینده ای بر وجه ارض تعیین کند. آدم را انتخاب کرد و علم الهی را به او آموخت و از ملائکه ی آسمانی خواست که در حضور انسان تعظیم کنند. همه اطاعت کردند مگر شیطان که گفت: «آدم از خاک آفریده شد و من از آتش.» لطفاً به این نکته توجه فرمایید. از آن زمانی که انسان وجود داشته دارای ماهیتی دوگانه یا منقسم بوده: خاک و آتش. حضرت مولی الوری این تفاوت را توصیف می فرمایند. خاک دارای این خصوصیت است که باوفا، بردبار و سخاوتمند است. باوفا و قابل اعتماد، چه که هزاران کنزی را که از ازل تا به ابد در دل آن به ودیعه گذاشته شده، حفظ می کند. صبور و بردبار، اگرچه دل آن را بشکافند و خراش ها بر آن وارد نمایند، بذرها را می پذیرد و چندین برابر بازپس می دهد. سخاوتمند: یک قطعه چوب به آن بدهید، آن را به درختی تنومند و بارور تبدیل می سازد. [2] آتش دارای خصایص خشم، ویرانگری و سیری ناپذیری است. تشنه ی خطر است و در جستجوی آن به همه جا می رود و هرچه سر راهش باشد می سوزاند و نابود می کند. جمیع ما باید خصوصیات زمین و خاک را داشته باشیم. عبودیت تنها طریق موفقیتی است که ما می توانیم طی کنیم. تنها طریقی که هر قدمش با الواح و مثال های حضرت عبدالبهاء روشن شده است. هر راه دیگری طریق نفس پرستانه ای خواهد شد که محکوم به شکست و نابودی است.

فجر جدیدی در عالم می دمدم. ما در فلق بامدادی هستیم. انسان ابزار را برای مبارزه با طبیعت ابداع کرده اما خودش را نیز نابود ساخته است. طریق عبودیت به ما راهی را نشان می دهد که قلوب و نفوس خود را، که بدون آن هرگز هیچ چیز نخواهیم بود، کشف کنیم. ما باید به مدارجی که برای ما مقدر شده واصل شویم. جوانان باید در مورد نهضت های جاری که امروزه در دنیا رواج یافته بسیار مراقب و دقیق باشند. مدنیت متزلزل و در حال سقوط و احتضار - که هیکل مرده اش به نهضت ها و اندیشه های بسیاری میدان می دهد - ما را احاطه کرده است. ما باید طریق عبودیتی را که حضرت عبدالبهاء به ما نشان داده اند در پیش بگیریم. ما باید مقام و سرنوشت متعالی انسان را درک کنیم. انسان مظهر کل عالم وجود - عالمی صغیر - است. انسان باید خود، استعدادها، قوای مکنونه و نیروهایش را کشف کند و در طریق الهی به کار گیرد.

جوانی بزرگترین فرصتی است که به انسان داده شده تا خود را برای زندگی اش آماده سازد و از هر لحظه ی آن استفاده نماید. در سن بلوغ، او ماحصل آمادگی دوران جوانی را مشاهده خواهد کرد. هر لحظه از این ایام (یعنی طلوع فجر عصر جدید) ارزش صد سال آینده را دارد. لطفاً چنین لحظاتی را به اهداف و امیال

پست و ناچیز اختصاص ندهید. شاکر باشید که در این یوم متولد شده اید. مردم گروه گروه برای درمان دردهایشان خواهند آمد. بر اثر اقدام حضرت عبدالبهاء و مطالع الانوار حرکت کنید. آیا پروانه می تواند از شمع دور باشد؟ سعی کنید همان راهی را طی کنید که حضرت عبدالبهاء نشان دادند. این تنها راه برای ما است.

[1]- در نشریه ی امری بریتانیا مورخ آوریل 1975، صفحه ی 5، درج گردید.

[2]- توضیح مترجم: حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه به ذکر صفات خاک می پردازند: « احبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع و جذبه ی بیانات روحانیه ی آن انفس زکیه ذرات آن تراب را اخذ نمایند نه آن که تراب به لسان حال ذکر نماید انا افضل منکم، چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و به کلّ ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده نموده و می نمایم. مع همه ی این مقامات عالیه و ظهورات لاتحصی که جمیع مایحتاج وجود از من ظاهر است به احدی فخر ننموده و نمی نمایم و به کمال خضوع در زیر قدم کل ساکنم.» (مجموعه ی اقتدارات، ص 220)

منبع: فاتح دلها نوشته شرلی ماسیاس صفحه 307

[www.Feyzi.org]